

فراسوی برجام

سرانجام مذاکرات هسته ای پس از بیش از یک دهه هیابانگ قلدرمنشانه و باد به غبغب انداختن کارگزاران نظام بویژه ولی فقیه و چاکران و پابوسان بارگاه اش پیرامون ماجراجویی های اتمی طی مذاکرات متوالی، تحت نام "برجام"، پایان پذیرفت. متن گنجانده شده در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک؛ از بین رفتن %۹۸ اورانیم غنی شده و پذیرش بیرون کشیدن قلب راکتور آب سنگین اراک و غیرفعال شدن تاسیسات فردو و... پروژه اتمی رژیم را به حبابی بر آب، بدل ساخت.

توافق وین، بی گمان آشکار کننده عقب نشینی تحمیلی کارگزاران رژیم و در راس آن خامنه ای و نهاد و بیت سرپرستی او تا عدول از خط قرمزهاست. این عقب نشینی در حالی صورت گرفت که خامنه ای در ۲۲ مرداد ماه سال ۱۳۹۳، در رابطه با مذاکره با آمریکا طی جدال با روحانی گفته بود "رابطه و مذاکره با آمریکا بجز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد. بلکه ضرر هم دارد. کدام عاقلی ست که دنبال کار بی منفعت برود؟" براستی که رهبر ام القرای فساد و تباهی از نمودهای بارز انسانهای کوچک در مقامات بزرگ اند، آنچه "کارل مارکس" پیشوای بزرگ پرولتاریا در رابطه با "ناپلئون سوم" گفتند.

بر مبنای توافقتنامه مزبور، لغو برخی تحریم ها تنها پس از راستی آزمایی رژیم توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی صورت خواهد گرفت. این، شامل تحریم های اشاعه ای و اتحادیه اروپا نیز می شود. همچنین، تحریم های

تسلیحاتی تا ۵ سال و تحریم‌ها علیه برنامه موشک‌های بالستیک تا ۸ سال آینده ادامه خواهد داشت. در همین رابطه، رضا نجفی، روز شنبه ۱۰ مرداد ماه، در واکنش به خبر حضور یوکیا آمانو در سنای آمریکا، بر محرمانه بودن توافق بین رژیم و آژانس بین‌المللی اتمی تأکید ورزید.

نماینده رژیم در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اضافه کرد: "متون محرمانه بین ایران و آژانس حتی در اختیار دولت آمریکا هم قرار نگرفته است. بنابراین، به طور قطع این مساله در اختیار نمایندگان سنا هم نمی‌تواند قرار بگیرد." حسین دهقان، وزیر دفاع رژیم نیز در روز دوشنبه ۲۰ ژوئیه از ادامه برنامه موشکی این کشور خبر داد و گفت که "اسرار نظامی" را در اختیار هیچ مرجعی قرار نخواهد داد. او جگیری تنش در مجلس پیرامون بررسی برجام با هدف حمله قرار گرفتن لفظی کم سابقه لاریجانی، سرفصل نوینی از منازعات جناح و باندهای در قدرت را به نمایش می‌گذارد. از این حیث، ساز و کار راستی آزمایی- "دست آموز و رام شدن" و هموار کردن مسیر احیاء رابطه با انحصارات امپریالیستی توسط باند رفسنجانی- روحانی، حتی در گام نخست، روندی پر تضاریسی و سخت و دشوار بشمار می‌آید. پیشبرد و اجرای سازوکارهای برجام قادر است به تشدید تضاد بین دو مسند کلیدی قدرت؛ خامنه‌ای و دولت منجر شود.

کانون اصلی این اختلافات نه پیرامون چرایی یا چگونگی اجرای مفاد برجام، که بی‌گمان چنین رویدادی بدون موافقت و تمکین خامنه‌ای هرگز میسر نمی‌شد. بلکه، حول کسب اهرمهای اعمال قدرت سیاسی افزونتر از برای تاخت و تاراج و غارت سرمایه‌های کلان بویژه به دنباله پژواک لغو تحریم هاست. بدین ترتیب، اختلاف بین باندهای درونی رژیم و نهادهای

وابسته به آنان در پی برجام می تواند در آینده شدیدتر و پرتنش تر، ادامه یابد. اما، این نکته حائز اهمیت است که شکاف و گسست در روبنای سیاسی و تزلزل رابطه بین خامنه ای و دولت یا تضعیف موقعیت خامنه ای بصورت خودبخودی و بدون فشار از پایین و در نهایت اعمال قهر انقلابی، اسباب فروپاشی تمامیت نظام را مهیا نمی سازد.

تشتت بین کانونهای قدرت بسبب رویارویی منافع اقتصادی-سیاسی کانونهای قدرت در پیوند به سرمایه های کلان، روی می دهد. پیوستگی این کانونهای قدرت بسیار حساس، بغرنج، سیال و همزمان در تعامل و تقابل با یکدیگر عمل میکنند. از اینرو، انهدام هر کدام می تواند تأثیرات و تبعات بسیار هولناکی برای دیگری و در نتیجه کل نظام به همراه داشته باشد. به دیگر سخن، رویارویی باند و جناح و تمامی نمایندگان و حتی ولی فقیه نظام، در دایره تنگ رعایت قانونمندی های اساسی حاکم بر نظام بر پایه منافع مشترک مادی و طبقاتی، تبیین می گردد. عقب نشینی یا تمکین خامنه ای از موضع هسته ای با توجه به شرایط فاقد راه خروج، نیز در همین الگوی مسلط و مناسبات منافع مادی مشترک حاکم بر سیستم دیکتاتوری، قابل استنباط است. عامل مهم و نهایی تعیین کنش و واکنشها، رفتار و عملکرد و تصمیم گیریهای کانون های قدرت نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به اعتراضات توده ای در راستای حراست از تداوم بقای تمامیت نظام است. از همین روست که جناح و باندهای درون حکومتی، پیوسته در لحظه کنش سوژه اصلی تغییرات بنیادین، بر پایه منافع مشترک با توسل به قهر ضدانقلابی، اقدام ورزیده اند. نظریه ای که امر فروپاشی نظام را از مجرای تضعیف خامنه ای و رشد تناقضات ذاتی نظام، استنتاج می کند عملاً منافع

مادی مشترک بسیار هنگفت میلیاردی بعنوان حلقه پیوند کانون های قدرت را نادیده می گیرد.

جناحها و باندهای درون حکومتی به رغم منازعات شدید و فراوان تا سرحد حصر یاران دیرینه، طی سی سال گذشته به همزیستی در بطن قدرت، ادامه داده اند. برجام، پیش از اینکه توافقی هسته ای باشد، توافقی سیاسی و بازگوکننده بهره برداری باند رقیب؛ رفسنجانی- روحانی بمنظور "حمایت و حراست از نظام" و رهایی از بن بست بطریق تعامل با انحصارات سرمایه داری و حل شدن قانونمند در بازار تجارت جهانی، است.

واضح و مبرهن است که دیکتاتوری حاکم بر طهران حامل تناقضات بی شمار و در ذات خود بحران زا، تباه کننده و استثمارگر است. از اینرو، هرگونه تمهیدی از سوی نمایندگان و تنورسین های نظام جهت چیرگی یا بهره برداری از بحرانهای خودساخته برای "حفظ حیات و تداوم نظام" از دکترین دستیابی به بمب اتم تا اهتمام جهت معنا بخشی به بحران، تنها تناقضات رژیم را از نو، برابر دیدگان آنانی که دل به بوروکراسی آخوندی و شامورتی بازی و بسته اقتصادی که کالایی بجز دست نامرئی آدم اسمیت ندارد، بسته اند، برجسته و عریان تر، خواهد ساخت. ولی، اگر تصور کنیم که دیکتاتوری حاکم، ماهیتاً خود دارای پارادوکس است و به مرور زمان با رشد و گسترش آن، دچار فروپاشی می شود در واقع نقش راهبردی کارگران و ستمدیدگان به مثابه کلیدی ترین عامل انقلاب را نادیده گرفته ایم. در اینصورت، آگاهی کارگران برآمد بازتاب ذهنی تناقضات رو به رشد دیکتاتوری حاکم و نقش عنصر پیشرو در این راستا بطور اتوماتیک منتفی خواهد گردید.

قدر مسلم، حرکت و تغییر از علل ذاتی و درونی در اشیاء و پروسه ها ناشی می شود. ولیکن، علت‌های خارجی شرط مهم و اساسی "تغییر" هستند. هیچ آبی نمی جوشد مگر اینکه به آن حرارت داده شود! جامعه نوین و نظامی عالی تر به خودی خود تنها بدلیل رشد تضادها و تناقضات ذاتی دیکتاتوری حاکم بوجود نمی آید. حصول این مهم پیامد درک کارگران و دیگر گردانهای ستمدیده از اجتناب ناپذیری الغای این تناقضات از طریق دگرگونی و انقلاب، است.

آناهیتا اردوان

۱۴ مرداد ماه ۱۳۹۴

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری